

زمینه‌ها و هدف‌های اصلاحات آمریکایی در ایران

در این درس، با هدف‌های اصلاحات اجتماعی و اقتصادی موردنظر آمریکا در ایران و نیز اقداماتی که دولت‌های شریف امامی و امینی برای زمینه‌سازی و اجرای این سیاست انجام دادند آشنا می‌شوید.

تحول‌های بین‌المللی منطقه‌ای

سیاست خارجی آمریکا در دوره ریاست جمهوری جان. اف. کندی^۱ در برابر کشورهای توسعه‌نیافته جهان سوم و خاورمیانه، اجرای اصلاحات از بالا به پایین با هدف پیشگیری از انقلاب‌های قهرآمیز بود.^۲ این سیاست با عنوان «اتحاد برای پیشرفت»^۳ در کشورهایی که در معرض خطر کمونیسم بودند، اجرا می‌شد؛^۴ بی‌آنکه نظام دیکتاتوری و استبدادی حاکم بر آن کشورها تغییر یابد و در صورت مقاومت مردم توسل به زور برای اجرای آن پیش‌بینی شده بود.^۵ اجرای این سیاست درباره ایران از اهمیت خاصی برخوردار بود؛ زیرا رژیم دست‌نشانده شاه وابسته و متحد آمریکا بود و به دلیل همسایگی با اتحاد جماهیر شوروی و موقعیت ممتاز جغرافیای سیاسی، در وضعیتی حساس و تعیین‌کننده قرار داشت.^۶

۱. جان. اف. کندی (John. F. Kenedy) در ۲۰ ژانویه ۱۹۶۱ م / ۱۳۳۹ ش. به عنوان سی و پنجمین رئیس‌جمهور آمریکا در

کاخ سفید بر مسند قدرت نشست.

۲. نظیر انقلاب‌هایی که در آمریکای لاتین، کوبا و ویتنام روی داده بود.

3. Alliance for Progress

۴. برای نخستین بار این سیاست در کشور وژوئلا در دوران ریاست جمهوری «رومولا بتانکورت» آزمایش شد. چون اجرای آن با

مخالفت و تظاهرات گسترده مردم روبه‌رو شد، منجر به سرکوب و قتل جمع کثیری از مردم شهر کاراکاس شد. ن. ک: نجاتی، تاریخ سیاسی

بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، ص ۱۳۳؛ بیل، شیر و عقاب، ج ۱، صص ۲۱۶ و ۲۱۷.

۵. نجاتی، تاریخ بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، ص ۱۱۳.

۶. بیل، همان، ج ۱، ص ۲۱۵.

کارشناسان مسائل ایران در وزارت امور خارجه آمریکا، گزارش‌هایی^۱ از وضعیت فساد حکومت شاه و سرکوب مخالفان سیاسی رژیم پهلوی تهیه کردند که نشان می‌داد وجود یک سلسله اصلاحات اقتصادی - اجتماعی در ایران ضروری است.^۲

علاوه بر این، صنایع و اقتصاد آمریکا و کشورهای غربی نیازمند بازارهای مصرف جدیدی بود و کشورهای خاورمیانه به علت ساختار اقتصادی مبتنی بر رژیم ارباب و رعیتی، امکان مصرف تولیدات جدید را نداشتند.^۳

به باور زمامداران آمریکا، اصلاحات اقتصادی و اجتماعی می‌توانست ضمن جلوگیری از «انقلاب سرخ» و کاهش خطر کمونیسم، زمینه ایجاد «انقلاب سفید» را فراهم آورد و از گسترش فعالیت‌های مردمی علیه حکومت‌های دیکتاتور و دست‌نشانده آمریکا جلوگیری کند.^۴

فکر کنید و پاسخ دهید:

منظور از انقلاب سفید، ماهیت و اهداف آن چیست؟



شریف امامی

نخست‌وزیری شریف امامی

در شهریور ۱۳۳۹، شاه با منصوب کردن شریف امامی به نخست‌وزیری و طرح شعارهایی مانند آزادی احزاب و فضای باز سیاسی و اصلاحات اقتصادی به استقبال از سیاست‌های جدید دولت آمریکا رفت. انتخاب شریف امامی در واقع حاصل توافق شاه و انگلستان با استفاده از فرصت انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود.^۵

با وجود این، کندی رئیس‌جمهوری آمریکا به شاه و

۱. این گزارش‌ها در اواخر سال ۱۳۳۹ توسط جان. دبلیو بولینک John. W. Bouling و اوایل سال ۱۳۴۰ توسط کوتیلریانک تهیه شد.

۲. نجانی، تاریخ بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، صص ۱۳۶-۱۳۸.

۳. با گذشت سالیانی که از جنگ جهانی دوم سپری شده بود؛ صنایع و اقتصاد اروپا دوباره فعال گردیده و نیاز به بازارهای مصرف احساس می‌شد. ن. ک: الهی، دیکتاتوری کارتل‌ها، ص ۵.

۴. گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ص ۱۷۲؛ نجانی، تاریخ بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، ص ۱۳۳.

۵. فردوست، همان، ج ۲، صص ۳۰۰ و ۳۰۱.

شریف‌امامی اعتماد نداشت و آنها را برای اجرای برنامه‌هایش در ایران مناسب ندید. آمریکا، در این زمان، برای هموار کردن سیاست‌های خود در ایران، با برخی از رجال ایران ارتباط برقرار کرد و خواستار برکناری شریف‌امامی و روی کار آمدن علی امینی شد.^۱ علی امینی در دوران تصدی سفارت ایران در آمریکا بیش از پیش به مقامات آمریکایی نزدیک شده بود و با کندی ارتباط صمیمانه‌ای داشت.^۲

اصلاحات دوره نخست‌وزیری علی امینی

با روی کار آمدن علی امینی، سیاست‌های پیش‌بینی شده آمریکا، در ایران به اجرا گذاشته شد. قدم اول این سیاست مبارزه با فساد اداری بود که برای جلوگیری از سقوط رژیم پهلوی و افتادن حکومت ایران به دست کمونیست‌ها، صورت می‌گرفت. اقدام دوم، «اصلاحات اقتصادی» بود که برای تغییر زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی کشور به اجرا درآمد.

علی امینی در اولین قدم، دست به اقدامی جنجالی زد. او از شاه درخواست انحلال مجلس‌های شورای ملی و سنارا کرد، تا موانع سر راه انجام نقشه‌های خود را از میان بردارد. به دنبال آن، جمعی زیاد از سران حکومت از نظامیان عالی رتبه گرفته تا مقام‌های اقتصادی را دستگیر کرد تا گناه مفاسد اقتصادی و سیاسی رژیم پهلوی را به گردن آنان بیندازد. علی امینی با این اقدام می‌خواست از تعمیق اعتراضات اجتماعی و مردمی علیه آمریکا جلوگیری کند.^۳ البته او به دنبال جاه‌طلبی‌های شخصی خود نیز بود و می‌خواست مستقل از شاه، با آمریکا ارتباط برقرار کند. شاه از این موضوع احساس نگرانی می‌کرد.^۴

اقدام دوم امینی، اجرای قانون اصلاحات ارضی بود. قانون «اصلاحات ارضی» که در بهمن ۱۳۴۰ در هیئت دولت به تصویب رسیده بود، از منطقه آذربایجان شروع شد. با سرعت گرفتن روند اصلاحات ارضی توسط علی امینی، شاه از ناحیه او احساس خطر کرد.

بیشتر بدانید

کندی، رئیس‌جمهور آمریکا، از مشاوران خود خواسته بود که برای دادن کمک به ایران شرایط خاصی تعیین کنند. آن هم در شرایطی که ایران به شدت به این وام نیاز داشت. شرط واگذاری

۱. منصور، قیام ۱۵ خرداد، ص ۳۷؛ رجال عصر پهلوی، علی امینی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، صص ۲۱-۲۹.

۲. همان، صص ۱۷-۲۱؛ آبراهامیان، همان، ص ۵۱۹.

۳. رجال عصر پهلوی، علی امینی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، صص ۲۹ و ۳۰.

۴. هویدا، سقوط شاه، ص ۱۴۰.

وام ۳۵ میلیون دلاری آمریکا پذیرش نخست‌وزیری علی‌امینی از سوی شاه بود.^۱ آمریکا در دوران چهارده‌ماهه حکومت امینی، کمک‌های مالی که بالغ بر ۶۷ میلیون دلار بود، به ایران پرداخت کرد و این حمایت‌ها را منوط به حسن اجرای اصلاحات مورد علاقه‌اش کرد. امینی به دلیل ارتباط نزدیک با مقامات آمریکایی همواره مورد حسادت شاه قرار داشت. شاه بعدها با اعتراف به این موضوع گفت: «بدتر از همه این که موقع دیدارم از آمریکا هرجا می‌رسیدم، اول از همه حال و احوال نخست‌وزیر را از من می‌پرسیدند و رفتارشان به‌صورتی بود که گویی اصلاً من را به حساب نمی‌آوردند».^۲ با این همه وقتی که امینی درگیری‌اش بر سر لزوم کاهش بودجه نظامی آغاز شد، توانست حمایت آمریکا را جلب کند. این نخستین بار نبود که ایالت متحده آمریکا، در برابر نخست‌وزیر، جانب شاه را گرفته بود.^۳

محمدرضاشاه در فروردین ۱۳۴۱ به همراه اسدالله علم به آمریکا رفت و با کمک انگلستان توانست آمریکا را به برکناری امینی راضی کند و خود مجری اصلاحات مورد نظر آمریکا در ایران شود.^۴

پرسش‌های نمونه

۱. هدف آمریکا از انجام اصلاحات در کشورهای توسعه نیافته چه بود؟ این اصلاحات با چه عنوانی و در چه کشورهایی اجرا شد؟
۲. چرا دولت آمریکا انجام اصلاحات اقتصادی - اجتماعی در ایران را ضروری می‌دانست؟
۳. آمریکا چه نقشی در برکناری شریف امامی و انتصاب علی‌امینی به نخست‌وزیری داشت؟
۴. علی‌امینی در دوره نخست‌وزیری خود چه اقداماتی انجام داد؟

اندیشه و جست و جو

— درباره کمک‌های آمریکا به ایران در دوره نخست‌وزیری علی‌امینی گزارشی تهیه کنید.

۱. رجال عصر بهلولی، علی‌امینی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، صص ۲۸ و ۲۹؛ فردوست، همان، ج ۲، ص ۳۰۸.

۲. هویدا، همان، ص ۱۴۰.

۳. آبراهامیان، همان، ص ۵۲۱.

۴. امینی، خاطرات، صص ۲۰۴-۲۰۷.

پیدایش نهضت روحانیت و اوج‌گیری بیداری اسلامی

در این درس با چگونگی روی کار آمدن دولت اسدالله علم و اجرای اصلاحات مورد نظر آمریکا در ایران از قبیل تصویب نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید آشنا می‌شوید و مخالفت و مقاومت روحانیت و مردم در برابر این اصلاحات را می‌خوانید.

دولت اسدالله علم

با رحلت آیت‌الله بروجردی مرجع بزرگ تقلید شیعیان جهان در فروردین ماه ۱۳۴۰، شاه تصور کرد که زمینه برای جانشینی مرجع یا مراجع تقلید به جای آیت‌الله بروجردی وجود ندارد. از این رو فرصت را برای اجرای اصلاحات مورد نظر آمریکا مناسب دید.^۱

بیشتر بدانید

برای تقویت مرجعیت و تمرکز آن، عده‌ای از مدرسان حوزه علمیه قم تصمیم به دعوت از آیت‌الله بروجردی برای مهاجرت به قم گرفتند. از میان این عده، سرشناس‌ترین آنها آیت‌الله خمینی بود. به عقیده ایشان بازسازی حوزه علمیه قم تحت زعامت مرجعیت مقتدر تنها عامل نجات تشیع ایران بود. آیت‌الله بروجردی که از شاگردان مراجع بزرگی چون آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی و جهانگیرخان قشقایی بود. در دوره زعامت و مرجعیت تامه وی، حوزه علمیه قم از جریان بیداری اسلامی باز نماند و همچون دانشگاه بر آن تأثیر گذاشت و از آن تأثیر پذیرفت و نقش بسیار مهمی در حفظ جامعه مسلمان ایران از آفت‌ها و بحران‌های سیاسی و اجتماعی آن مقطع حساس ایفا کرد. بسیاری از افرادی که در شکل‌گیری انقلاب اسلامی نقش داشتند، از شاگردان ایشان بودند.^۲

۱. شاه تلاش کرد تا پایگاه مرجعیت از قم به نجف انتقال یابد. از این رو ضایعه درگذشت آیت‌الله بروجردی را به علمای نجف تسلیت

گفت. (ن.ک: منصوری، تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، ج ۱، ص ۲۴۰؛ دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۳۱).

۲. دوانی، مفآخر اسلام، ج ۱۲، ص ۶۰۸؛ کرباسچی، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، تاریخ حوزه علمیه قم، صص ۹۱-۱۰۴ و

۱۴۴-۲۱؛ ربان یزدی، آینه دانشوران، صص ۴۷۴-۴۸۵.

در تیرماه ۱۳۴۱، شاه، علی امینی را به بهانهٔ اختلاف بر سر بودجهٔ نظامی^۱ بر کنار و اسدالله علم را که یکی از نزدیکان او بود، به نخست‌وزیری منصوب کرد.^۲ او همچنین تصمیم گرفت که قانون انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی را در غیاب مجلس شورای ملی تغییر دهد.^۳



تصویب نامهٔ انجمن‌های ایالتی و ولایتی

قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی در اولین دورهٔ مجلس شورای ملی به منظور تشکیل شوراهای استان و شهرستان به تصویب رسیده بود و تا زمان نخست‌وزیری اسدالله علم این قانون بدون تغییر مانده بود. قانون مذکور در مهر ۱۳۴۱ توسط هیئت دولت تغییر کرد که براساس آن، شرط مسلمان بودن و سوگند به قرآن مجید از شرایط انتخاب‌شوندگان حذف شد.^۴

بیشتر بدانید

شاه در پوشش تصویب این لوایح اهداف متفاوتی را دنبال می‌کرد. او می‌خواست علاوه بر سنجش میزان حساسیت علما و توان مذهبی مردم، روحانیت و جریان مذهبی را که همواره سدی در برابر نفوذ سلطهٔ بیگانگان در ایران به‌شمار می‌آمدند، در یک زورآزمایی کنار بزند تا مجبور به محافظه‌کاری در برابر آنها نباشد. به همین منظور مطبوعات رسمی کشور با تیرهای درشت به انعکاس تصویب این لوایح و اخبار مربوط به آن پرداختند.

این تصویب‌نامه اعتراض علما و مردم مسلمان ایران را برانگیخت. امام خمینی علمای طراز اول

۱. عاقلی، *نخست‌وزیران ایران*، صص ۹۱۸ - ۹۲۰؛ رجال عصر پهلوی، علی‌امینی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، صص ۴۰ و ۴۱.

۲. یادداشت‌های علم، ج ۱، ص ۳۴.

۳. شاهدهی، *مردی برای تمام فصول*، صص ۳۶۹ و ۳۷۰.

۴. مدنی، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، ج ۱، ص ۳۷۵.

قم را به نشست‌ها و گفت‌وگوهای متعدد برای لغو این تصویب‌نامه فراخواند. وی با تشریح نقشه‌های استعمار و توطئه‌های آنها مسئولیت علما را در قبال صیانت از اسلام و استقلال کشور یادآور شد و مقرر شد با ارسال تلگرام‌هایی به شاه، لغو فوری تصویب‌نامه مذکور درخواست شود.

مبارزه‌ی بی‌گير امام خمینی، مراجع تقلید و دیگر علما سرانجام شاه و دولت را وادار به عقب‌نشینی و اعلام لغو تصویب‌نامه کرد. شاه در اجرای سیاست اسلام‌زدایی با شکست مواجه شد. این حرکت هماهنگ علما که به نهضت دو ماهه روحانیون شهرت یافت، اولین پیروزی سیاسی ملت ایران به رهبری امام خمینی بعد از کودتای ۲۸ مرداد بود.^۱

برخی از علمای قم این اقدام را کافی دانستند، اما امام خمینی با هوشیاری به تشریح اهداف پشت پرده رژیم پهلوی پرداخت و ماهیت دخالت آمریکا و صهیونیسم را در امور مملکت افشا کرد. ابعاد و عمق مبارزات امام خمینی فراتر از لغو تصویب‌نامه بود. ایشان در اعلامیه‌ها و سخنرانی بعدی خود اعلام خطر کرد که اسلام و استقلال مملکت و اقتصاد ایران در معرض توطئه صهیونیست‌هاست و تا رفع این خطرها نباید از پا نشست.^۲ امام خمینی با دوراندیشی قصد داشت با استفاده از فرصت به وجود آمده مبارزه دامن‌داری را برای سرنگونی رژیم وابسته شاه و قطع سلطه آمریکا و اسرائیل و تشکیل حکومت مستقل و مردمی پایه‌ریزی کند.

انقلاب سفید

تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی مقدمه اجرای حرکتی در جهت خواست آمریکایی‌ها برای جلوگیری از نفوذ شوروی در ایران بود که بعدها از سوی شاه و دربار انقلاب سفید نام گرفت. بعد از لغو تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، شاه در اثر فشار آمریکا، خود به میدان آمد و اعلام کرد قصد دارد اصول شش‌گانه به اصطلاح انقلاب سفید را به نظر خواهی بگذارد.

در این هنگام امام خمینی با آگاهی از اهداف شاه و نتایج زیان‌بار سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا در ایران، مراجع و علمای قم را به شرکت در یک جلسه اضطراری فراخواند. در این نشست پس از تبادل نظر تصمیم گرفته شد، برای اطلاع بیشتر درباره همه‌پرسی و اهداف آن از شاه توضیح بخواهند. آیت‌الله روح‌الله کمالوند به نمایندگی از سوی مراجع و علما به دیدار شاه رفت.^۳ در این دیدار، شاه

۱. روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت/امام خمینی، صص ۱۷۷-۱۹۱.

۲. روحانی، همان، صص ۴۵۶-۴۶۰.

۳. آیت‌الله روح‌الله کمالوند از مدرسان توانای فقه، اصول و فلسفه حوزه علمیه قم بود.

به جای پاسخ به سؤالات مراجع و علما، زبان به تهدید گشود.^۱

بیشتر بدانید

محمدرضا شاه در دیدار با آیت‌الله کمالوند اعلام کرد: «اگر آسمان به زمین بیاید و زمین به آسمان برود، من باید این برنامه را اجرا کنم، زیرا اگر نکنم، از بین می‌روم». او ضمن شکایت از علمای ایران خواست تا به جای مخالفت، مانند روحانیون دیگر کشورها دعاگوی شاه کشورشان باشند. آیت‌الله کمالوند در پاسخ گفت: «علمای شیعه، در تاریخ هزار ساله خود، هیچ‌گاه مأمور حکومت‌ها نبوده‌اند و نخواهند بود».^۲

به دنبال پاسخ شاه، امام خمینی و علما دریافتند که شاه با حمایت آمریکا، به هر نحو ممکن مصمم به پیشبرد و اجرای این برنامه است. امام خمینی طی سخنانی فرمودند: «اکنون طرف حساب علما شخص شاه است نه دولت؛ زیرا او در مرز مرگ و زندگی قرار گرفته و چنان که خود اظهار داشته عقب نشینی او به قیمت سقوط و نابودی‌اش تمام خواهد شد. باید توده ملت را از اهداف استعماری این لویح آگاه کنیم».^۳

تحریم رفتار مردم و قیام مردم

با انتشار اعلامیه امام خمینی و اعلامیه‌های دیگر از سوی سایر علما و مراجع نظیر آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله خوانساری نسبت به غیرقانونی بودن رفتار مردم (همه پرسی)، مردم تهران و قم و دیگر شهرستان‌ها به خیابان‌ها ریختند. دانشجویان دانشگاه تهران نیز با صدور اعلامیه‌ای اقدامات ضداسلامی و غیرقانونی رژیم را محکوم کردند.^۴

بازار تهران تعطیل شد و مردم در قسمت‌های جنوبی شهر تظاهرات اعتراض آمیز به پا کردند. رژیم برای کنترل اوضاع، تهران را به اشغال نظامی درآورد و به سرکوب مردم و هجوم به دانشگاه تهران پرداخت و تعدادی از روحانیون را دستگیر و روانه زندان کرد.^۵

۱. دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳، صص ۲۵۱-۲۵۳.

۲. ن. ک: رجعی، زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی، ج ۱، ص ۲۴۲.

۳. کوثر: مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ج ۱، صص ۳۷ و ۳۸.

۴. کریمیان، جنبش دانشجویی در ایران، ص ۳۰۲؛ ییل، همان، ج ۱، ص ۲۴۱.

۵. روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ص ۲۳۸.

بیشتر بدانید

در کنار مخالفت علما و روحانیون، نهضت آزادی نیز با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و برگزاری فراندوم مخالفت کرد. این تشکل سیاسی مذهبی پس از دیدار با مراجع قم و با صدور اعلامیه‌ای، به دفاع از نهضت روحانیت برخاست^۱ و مشی سیاسی خود را از جبهه ملی متمایز کرد و به افشای ماهیت اصلاحات شاه، کندی و انقلاب سفید پرداخت،^۲ اما به زودی رهبران آن از جمله مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی دستگیر شدند. آنها تا پس از قیام ۱۵ خرداد در زندان باقی ماندند اما جبهه ملی تنها به شعار «اصلاحات آری، دیکتاتوری نه» کفایت کرد.

در روز چهارم بهمن ماه ۱۳۴۱، شاه به قم رفت تا با سخنرانی در این شهر که کانون اصلی مخالفان بود، ثابت کند علما در مخالفت با اصول شش‌گانه یکپارچه نیستند. علمای قم به رهبری امام خمینی استقبال از شاه و حضور در مراسم را تحریم کردند.^۳ شهر قم یکپارچه تعطیل شد. شاه برخلاف انتظارش با مشاهده این حوادث طی نطقی که با عصبانیت تمام ایراد شد، به روحانیت و اسلام اهانت کرد.^۴

در چنین شرایطی که انتخابات تحریم شده بود، شاه با اعمال فشار و خشونت، همه‌پرسی فرمایشی خود را در ۶ بهمن ۱۳۴۱ برپا کرد و در پی آن، رئیس‌جمهور آمریکا و ملکه انگلیس این فراندوم را به شاه تبریک گفتند.^۵

چند روز بعد، دولت علم تصویب‌نامه لغو شده انجمن‌های ایالتی و ولایتی را به صورت ماده اصلاحی قانون انتخابات به مورد اجرا گذاشت و این کار مورد اعتراض امام خمینی واقع شد، و آن را از نظر قانون اساسی و شرع بی اعتبار دانست.

۱. روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، صص ۱۸۴-۱۸۶.

۲. فارسی، زوایای تاریک، ص ۷۵.

۳. حتی تولیت آستانه حضرت معصومه (س) نیز از شرکت در این مراسم خودداری کرده بود.

۴. فردوست، همان، ج ۲، ص ۳۲۳؛ مدنی، همان، ج ۲، ص ۱۷.

۵. روزنامه اطلاعات (۱۳۴۱/۱۱/۱)، ن.ک: بیل، همان، ج ۱، ص ۲۳۲؛ نراقی، از کاخ شاه تا زندان اوین، ص ۲؛ رادیو مسکو و مجله هفتگی «وویاگرینا» نیز به ستایش از اقدامات شاه پرداخت. جالب توجه این است که در جریان اصلاحات و انقلاب سفید دولت آمریکا و شوروی مواضع یکسانی در برابر نهضت مردم اتخاذ کردند. ن.ک: جواد منصوری، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، ص ۱۸۱؛ عرفان‌منش، خاطرات ۱۵ خرداد، ج ۲، ص ۲؛ روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، صص ۲۷-۲۷۲.

پرسش‌های نمونه

۱. در دوره نخست وزیری عَلم چه تغییری در شرایط انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی ایجاد شد؟
۲. علت و نتیجه مخالفت امام خمینی و علما با تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را توضیح دهید.
۳. امام خمینی (ره) و دیگر علما در مقابل رفراندوم اصول شش‌گانه (انقلاب سفید)، چه موضعی اتخاذ کردند؟

اندیشه و جست و جو

— درباره برنامه‌های رژیم پهلوی برای اسلام‌زدایی و محدود کردن روحانیون، مطلبی تهیه کنید.

قیام ۱۵ خرداد

در این درس با چگونگی گسترش نهضت امام خمینی و قیام پانزده خرداد، تصویب لایحه کاپیتولاسیون و تبعید حضرت امام خمینی آشنا خواهید شد.

همان طور که در درس پیشین خواندید رژیم پهلوی، برای اجرای سیاست های آمریکا، دست به فراندوم انقلاب سفید زد که باعث اعتراض علما و مردم شد، زیرا اجرای سیاست های آمریکا، علاوه بر گسترش وابستگی کشور و نابودی بنیادهای اقتصادی، منجر به اسلام زدایی نیز می شد.

حمله به فیضیه

با نزدیک شدن نوروز ۱۳۴۲، امام خمینی، در اعتراض به سیاست های رژیم پهلوی، اعلام عزای عمومی کرد؛ دیگر مراجع و علما نیز، از او پیروی کردند. دوم فروردین ماه، در جریان برگزاری مراسم عزاداری شهادت حضرت امام صادق (ع)، نیروهای ساواک و کماندوهای «شاه»^۱، در لباس غیر نظامی به مدرسه فیضیه قم حمله کردند و عده ای از روحانیان را به شهادت رساندند و یا زخمی کردند.^۲ آنان درهای حجره ها را شکستند و قرآن ها و کتاب ها را پاره کردند و به بیرون ریختند. حتی به مجروحان بستری شده این ماجرا در بیمارستان قم نیز حمله بردند و آنها را در بیمارستان، دستگیر کردند. هم زمان با این فاجعه، به مدرسه طالبیه تبریز نیز حمله شد و چند تن در این حادثه مجروح و شهید شدند.^۳ هدف رژیم، از یورش به مدرسه فیضیه ایجاد ارباب و وحشت بود.

امام خمینی، طی اعلامیه ای اظهار داشت: «ناراحت نشوید. مضطرب نگردید. ترس و هراس را از خود دور کنید. دستگاه حاکمه با ارتکاب این جنایت، خود را رسوا و مفتضح ساخت و ماهیت

۱. لشگر ۱ گارد شاهنشاهی.

۲. روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، صص ۳۳۹ - ۳۴۸.

۳. کرباسچی، هفت هزار روز تاریخ...، ج ۱، ص ۱۳۴.

چنگیزی خود را به خوبی نشان داد ... ما پیروز شدیم. ما از خدا خواستیم که این دستگاه ماهیت خود را بروز دهد و خود را رسوا کند»^۱.

حادثهٔ خونین فیضیه پیامدهای مختلفی داشت و برخلاف انتظار رژیم مبارزه را جدی و آشکارتر کرد. روحانیون تهران، قم، مشهد، اصفهان، شیراز و برخی از دیگر شهرستان‌ها به منظور ابراز همدردی و پشتیبانی از حوزهٔ علمیه قم به مدت یک هفته دست به اعتصاب زدند و از رفتن به مساجد و اقامهٔ نماز جماعت خودداری کردند.^۲

امام خمینی در اعلامیهٔ معروف خود، شاه دوستی را با غارتگری، جنایت و تجاوز به احکام اسلام مساوی دانست و به نام ملت، نخست‌وزیر را استیضاح کرد^۳ و فرمودند: «من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأمورین شما حاضر کرده‌ام». رهبری نهضت همچین اظهار حقایق را به هر قیمتی واجب و تقیّه را حرام کرد.^۴

قیام پانزده خرداد

در عصر عاشورای سال ۱۳۸۳ ق. مطابق با سیزدهم خرداد ۱۳۴۲، امام خمینی به مدرسهٔ فیضیه قم رفت، تا دربارهٔ مسائل سیاسی روز، به ایراد سخن بپردازد. گزارش مأمور ویژه ساواک که در محل حضور داشته، در این باره، گستردگی اعتراض مردمی و حمایت از امام خمینی را به خوبی نشان می‌دهد وی می‌نویسد: «در تاریخ قم چنین جمعیتی دیده نشده است. خمینی را مثل امام وارد کردند و تمام جمعیت آن چنان صلوات فرستاد که تا دو کیلومتر صدای آنها شنیده می‌شد».^۵

یک روز پس از این سخنرانی، در بامداد چهاردهم خرداد، امام خمینی در خانهٔ خود دستگیر و به تهران منتقل شد. همزمان، چند تن دیگر از علمای شهرستان‌ها نیز دستگیر و زندانی شدند. با انعکاس خبر دستگیری امام خمینی، در پانزدهم خرداد موجی عظیم از اعتراض مردمی در قم به پاخاست. به دنبال

۱. کوثر: مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ج ۱، ص ۵۸.

۲. کوثر: مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ج ۱، ص ۶۳؛ روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۳۸۷.

۳. استیضاح یعنی توضیح خواستن از دولت یا وزیر در مورد یک واقعه.

۴. کوثر: مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ج ۱، ص ۶۳.

۵. حسینیان، سه سال ستیز مرجعیت شیعه در ایران، ص ۴۶۶.

۶. هم‌زمان با دستگیری امام خمینی، آیت‌الله قمی در مشهد و آیت‌الله محلاتی را در شیراز دستگیر کردند و در مدت کوتاهی ۵۳ نفر

از علمای تهران و شهرستان‌ها نیز دستگیر شدند. (فراتی، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، ص ۱۳۰).



آن، در تهران و شهرستان‌های ورامین^۱، مشهد، قزوین، کاشان، شیراز^۲، تبریز^۳ و اصفهان^۴ و چند شهر دیگر نیز، تظاهرات اعتراض‌آمیز به راه افتاد.

اسدالله علم، نخست‌وزیر، به فرمان شاه، دستور کشتار بی‌رحمانهٔ مردم را صادر کرد. در تهران و قم دامنهٔ تظاهرات بسیار

گسترده بود. به همین سبب با اعلام حکومت نظامی، تانک‌ها و مسلسل‌های سنگین به خیابان آمدند. در قم هواپیماهای نظامی بر فراز شهر به پرواز درآمدند.^۵ حضور زنان در تظاهرات اعتراض‌آمیز قم چشم‌گیر بود.^۶ مردم خواستار آزادی امام خمینی بودند. آیت‌الله مرعشی نجفی به میان تظاهرکنندگان رفت و اعلام کرد: «نخواهیم گذاشت آسیبی به خمینی عزیزمان برسد».^۷ با حرکت روحانیون به سمت حرم، درگیری و صدای رگبار مسلسل‌ها شدت یافت. مأموران با محاصرهٔ تظاهرکنندگان آنها را مانند برگ پاییزی به زمین ریختند. تنها در یک کوچه تعداد ۳۲ نفر شهید و مجروح شدند.^۸ اجساد شهدا در کامیون‌های نظامی به مقصد نامعلومی حمل شد.^۹

۱. مردم پیشوای ورامین در حمایت از امام خمینی در حالی که کفن بر تن کرده بودند و با پای پیاده به سوی تهران در حرکت بودند، قبل از رسیدن به تهران، مورد هجوم نظامیان قرار گرفتند و دسته‌جمعی به خاک و خون کشیده شدند و عده‌ای از آنها به شهادت رسیدند و یک بار دیگر حادثهٔ ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در کشتارهای ورامین تکرار شد.

۲. در حوادث خونین ۱۶ خرداد در شیراز تعداد زیادی شهید و مجروح شدند که بیشترین آنها دانش‌آموزان و نوجوانان بودند. ن. ک: عرفان‌منش، *خاطرات ۱۵ خرداد در شیراز*، ج ۱، صص ۵۶، ۶۶، ۷۰، ۸۹-۹۴.

۳. ن. ک: باقری، *خاطرات ۱۵ خرداد تبریز*، صص ۱۹، ۲۰، ۴۱، ۸۴-۸۶ و ۱۱۸.

۴. *اسناد انقلاب اسلامی*، ج ۳، صص ۸۴-۸۶.

۵. مدنی، *تاریخ سیاسی معاصر*، ج ۲، صص ۴۵ و ۴۶.

۶. روحانی، *بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی*، ص ۴۷۶.

۷. *اسناد انقلاب اسلامی*، ج ۱، ص ۱۱۹.

۸. *کوچهٔ نمازی*. (ن. ک: مدنی، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، ج ۲، ص ۴۶).

۹. روحانی، *بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی*، ص ۴۸.

در تهران، بازار تعطیل شد. مردم به سوی خیابان‌ها سرازیر شدند.^۱ دانشجویان دانشگاه تهران با شنیدن خبر دستگیری امام خمینی بلافاصله کلاس‌ها را تعطیل کردند و با شعار مرگ بر دیکتاتور، خواستار آزادی امام خمینی شدند که با نیروهای انتظامی مواجه شدند.^۲ در جنوب شهر تهران دسته‌ای از تظاهرکنندگان به سمت ایستگاه رادیو حرکت کردند. با ورود گارد شاهنشاهی، قتل‌عام صدها نفر از مردم آغاز شد.^۳ اسدالله علم، نخست‌وزیر، درباره کشتار مردم در ۱۵ خرداد اعتراف می‌کند که شاه نه تنها دستور تیراندازی داد؛ بلکه از قتل‌عام مردم پشتیبانی کرد.^۴ شاه بعدها اعلام کرد که از بابت دستور تیراندازی در واقعه ۱۵ خرداد ابداً متأسف نیست.^۵ نبود برنامه برای تظاهرات و خودجوش بودن حرکت اعتراض‌آمیز مردم (بدون سازماندهی) باعث شد که دولت امکان سرکوب تظاهرکنندگان را بیابد. به گفته ارتشبد فردوست، یکی از نزدیک‌ترین مشاوران امنیتی شاه، آن روز اگر تظاهرکنندگان، تظاهرات خود را ادامه می‌دادند، قطعاً شاه از کشور می‌گریخت.^۶

برگی از تاریخ

فرازهایی از زندگانی امام خمینی رحمه الله علیه

روح‌الله موسوی خمینی در بیستم جمادی الثانی ۱۳۲۰ ق. برابر با چهارشنبه اول مهر ۱۲۸۱ ش. هم‌زمان با سالروز میلاد بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه (س) در خانواده‌ای از اهل علم و مبارزه در شهر خمین دیده به جهان گشود. او وارث سجایای پدرانیش که نسل اندر نسل در کنار هدایت مردم به کسب معارف الهی کوشیده‌اند، بود.

درحالی که کمتر از ۵ ماه از ولادت روح‌الله می‌گذشت، پدرش آیت‌الله سید مصطفی موسوی^۷ که در شهر خمین حامی مردم در برابر ظلم خوانین و حکام منطقه بود، در دفاع از مردم، مظلومانه به شهادت رسید.

۱. باقری، *خاطرات ۱۵ خرداد*، صص ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۰۹؛ عراقی، *ناگفته‌ها*، صص ۱۸۳ و ۱۸۴.
۲. منصوری، *قیام ۱۵ خرداد*، ص ۱۷۵.
۳. روحانی، *بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی*، صص ۴۸۵ و ۴۸۶؛ فردوست، همان، ج ۱، صص ۵۱۰-۵۱۳.
۴. لاینگ، *مصاحبه با شاه*، ص ۲۳۸.
۵. بلانسه، *ایران، انقلاب به نام خدا*، ص ۵۶؛ فالاجی، *مصاحبه با شاه ایران*، ص ۱۶.
۶. فردوست، همان، ج ۱، ص ۵۱۴. متن کامل مذاکرات هیئت دولت طاغوت در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، *اسناد فاش‌نشده‌ای از قیام ۱۵ خرداد*، صص ۲۲-۳۸.
۷. آیت‌الله سید مصطفی موسوی از معاصران مرحوم آیت‌الله میرزای شیرازی بود. او پس از تحصیل در حوزه نجف و سامرا به درجه اجتهاد نایل آمد و به ایران بازگشت. او رهبری و اداره امور مردم خمین را برعهده گرفت.

به این ترتیب امام خمینی از او ان کودکی با رنج یتیمی آشنا و با مفهوم شهادت روبه‌رو شد. پس از شهادت پدرش دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی مادر مؤمنه‌اش (بانو هاجر) که از خاندان علم و تقوا بود و همچنین عمه مکرمه‌اش (صاحبه خانم) که بانویی شجاع و حق‌جو بود، گذراند. دوران کودکی و نوجوانی روح‌الله همزمان با بحران‌های سیاسی و اجتماعی بود و از همان زمان او با مسائل سیاسی، دردها و رنج‌های مردم ایران آشنا شد. دیری نپایید که روح‌الله در سن ۱۵ سالگی از نعمت وجود آن دو عزیز نیز محروم گردید. وی در سال ۱۲۹۸ ش. پس از فراگرفتن علوم مقدماتی عازم حوزه علمیه اراک شد.

امام خمینی با بهره‌گیری از هوشی سرشار و استعدادی فوق‌العاده، رشته‌های مختلف علوم اسلامی را به سرعت طی کرد و علاوه بر فقه و اصول، فلسفه و عرفان را نیز در عالی‌ترین سطح نزد استادان برجسته آن زمان آموخت و در پی هجرت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حایری یزدی در سال ۱۳۰۱ ش به قم و تشکیل مرکزیت حوزه‌های علمیه، امام خمینی هم اندکی بعد مشتاقانه به قم مهاجرت کرد.

امام خمینی از سن ۲۷ سالگی به تألیف کتاب پرداخت. حاصل این تلاش، نگارش ده‌ها جلد کتاب در موضوعات مختلف فقه، اصول، تفسیر، عرفان، اخلاق، احکام و فلسفه است.

امام خمینی در کتاب *کشف‌الاسرار* که در سال ۱۳۲۲ ش. منتشر شد، به انتقاد از سیاست‌های استعماری و ضد اسلامی دوران ۲۰ ساله رضاشاه پرداخت و همچنین برای اولین بار در این کتاب به طرح مسئله «ولایت فقیه» و تشکیل حکومت اسلامی تأکید کرد.

نخستین بیانیه سیاسی امام خمینی یک سال بعد (۱۳۲۳ ش) صادر شد. وی در این بیانیه به‌طور آشکاری علمای اسلام و جامعه مسلمانان را به قیام عمومی فرا خواند و زنگ خطر و بیدارباش را در برابر سیاست‌های استعماری قدرت‌ها به صدا درآورد.

پس از ارتحال آیت‌الله العظمی بروجردی مرجعیت امام خمینی فراگیر شد و مورد استقبال مردم ایران قرار گرفت. بسیاری از علما ایشان را به‌عنوان مرجع اعلم معرفی کردند. این درحالی بود که وی به شدت از مطرح شدن خویش به‌عنوان مرجع تقلید پرهیز داشت. امام خمینی در طول حیات پربرکت خود شاگردان زیادی تربیت کرد که می‌توان به متفکرانی چون شهید استاد مطهری، شهید آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله خامنه‌ای اشاره کرد.^۱

پس از سرکوب و کشتار مردم در قیام ۱۵ خرداد، موج دستگیری‌ها و تبعیدها در سراسر کشور آغاز شد و یاران امام خمینی یکی پس از دیگری روانه زندان و تبعیدگاه شدند و جوانمردانی چون طیب حاج‌رضایی و حاج اسماعیل رضایی که پیشتاز تظاهرات مردم جنوب تهران، در ۱۵ خرداد بودند، پس از دستگیری و شکنجه‌های شدید تیرباران شدند.^۲ با خاموش کردن شعله‌های قیام ۱۵ خرداد و

۱. جهت اطلاع بیشتر، ن. ک: انصاری، حدیث بیداری، صص ۱۳-۳۵؛ رجبی، *زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی*، ج ۱، صص ۹۳-۱۳۰، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۹، ۱۷۶، ۲۶۵، ۲۷۵، ۲۸۷، ۳۴۰.

۲. دوانی، *نهضت روحانیون ایران*، ج ۴، صص ۲۴۸-۲۵۴؛ نجانی، *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران*، ج ۱، ص ۲۹۷.

درهم شکستن قیام عشایر فارس و اعدام سران آنها که به پشتیبانی از نهضت امام خمینی و روحانیت برخاستند،^۱ احساس موفقیت در انجام اصلاحات مورد نظر آمریکا در محمد رضا شاه آشکارتر شد.

بیشتر بدانید

مهاجرت علما به تهران و تلاش برای آزادی امام خمینی

پس از دستگیری امام خمینی و عده‌ای از علمای تهران و شهرستان‌ها، روحانیون شهرهای مختلف ایران و نجف، کربلا و کاظمین ضمن تعطیلی حوزه‌های علمیه، با صدور اعلامیه و تلگرام‌های متعدد ضمن محکوم کردن قتل عام و کشتار مردم عزادار و معترض در روزهای پانزدهم و شانزدهم خردادماه خواستار آزادی بی‌قید و شرط امام خمینی و سایر روحانیون شدند.^۲

این اقدام که به‌طور سریع و گسترده انجام شد، بی‌نتیجه ماند. تهدیدهای اسدالله علم نخست‌وزیر که اعلام کرده بود، روحانیون دستگیر شده از جمله امام خمینی را محاکمه صحرائی خواهد کرد،^۳ بر نگرانی آنها افزود؛ چون براساس شواهد، احتمال می‌رفت که رژیم پهلوی اقدام به اعدام رهبر نهضت کند.^۴ از این‌رو در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۴۲ گروه زیادی از علمای برجسته سراسر کشور در اقدامی هماهنگ - همچون مهاجرت صغری و کبری در نهضت مشروطه - به سوی تهران مهاجرت کردند تا حمایت و وفاداری خود را نسبت به امام خمینی اعلام کنند. رژیم اقدام به ممانعت از مهاجرت علما کرد و حتی هواپیمای آیت‌الله میلانی را که از مشهد عازم تهران بود، در نیمه راه بازگرداند.^۵ سرانجام تحصن و اعتصاب ۱۴ روزه علما و تلاش آنها موجب شد تا رژیم از محاکمه و تبعید امام خمینی عقب‌نشینی کند و پس از مدتی، امام را از زندان آزاد و به خانه‌ای در داودیه و سپس قیطره شمیران منتقل کرده و تحت نظر مأموران امنیتی قرار داد. در طول مدت مهاجرت ۱۴ روزه علما، بازار تهران تعطیل بود.^۶

۱. عشایر میهن‌دوست و غیرتمند فارس در حوادث مهم تاریخ سیاسی معاصر ایران نقش مهمی در صیانت از استقلال کشور را بر عهده داشتند. در حوادث ۱۵ خرداد شیراز به حمایت از این نهضت پرداختند. رژیم پهلوی که از بیوستن عشایر احساس خطر کرد، برای کنترل و خلع سلاح آنها، اقدام به سرکوب گسترده جنبش عشایر در منطقه جنوب کرد. حضور سرهنگ گراتیان با تسویج کارشناس برجسته سازمان سیا در جنگ‌های روستایی حکایت از اهمیت عملیات جنوب دارد. به دستور شاه، سپهبد آریانا، با نهایت قساوت و بی‌رحمی به سرکوبی قیام عشایر پرداخت. او به بهانه انهدام مواضع عشایر که به کوه‌ها پناه برده بودند، با استفاده از هواپیمای بمب‌افکن آمریکایی و آتش توپخانه، مناطق مسکونی عشایر و سیاه‌چادرها را به‌طور وحشیانه‌ای ویران ساخت. او وقتی که مقاومت عشایر را مشاهده کرد، در یک جنگ روانی آنها را وادار به تسلیم کرد و سران وطن‌پرست و مسلمان آنها از جمله حبیب‌الله شهبازی را به جوخه اعدام سپرد. (ن. ک عرفان منش، *خاطرات ۱۵ خرداد در شیراز*، ج ۱، ص ۵۴، ج ۲، صص ۱۱۵ و ۱۱۶).

۲. دوانی، *نهضت روحانیون ایران*، ج ۳، ص ۴۰۵؛ *اسناد انقلاب اسلامی*، ج ۱، صص ۱۲۲-۱۳۵، ج ۲، صص ۷۹-۸۱.

۳. محاکمه صحرائی یعنی محاکمه فرد بدون حق انتخاب وکیل. در این باره، ن. ک: کرباسچی، *هفت‌هزار روز تاریخ ایران*، ص ۱۵۱.

۴. روحانی، *بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی*، ج ۱، ص ۵۵۹.

۵. روحانی، *بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی*، ص ۵۵۹.

۶. مدنی، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، ج ۲، ص ۵۴.

دستاورد‌های قیام ۱۵ خرداد

قیام ۱۵ خرداد دارای ابعاد ضدّ استعماری و ضدّ استبدادی بود که توانست به طور فراگیری توده‌های مختلف مردم را در صحنه مبارزه علیه رژیم دست‌نشانده پهلوی بسیج کند و به دلیل اعتقاد راسخ امام خمینی به حمایت از اسلام راستین که از سیاست جدا نیست، بذر فرهنگ مبارزه به عنوان یک تکلیف الهی در جامعه کاشته شد که ثمرات آن در پیروزی انقلاب اسلامی به بار نشست.

از دیگر پیامدهای قیام ۱۵ خرداد، افزایش رشد سیاسی در میان حوزه‌های علمیه و روحانیت و گرایش بیشتر روشنفکران و دانشگاهیان به ارزش‌های اسلامی به عنوان برافروزنده مشعل مبارزات سیاسی بود و در جهانی که لیبرالیسم غربی و مارکسیسم شرقی کارایی خود را در رهایی کشورهای تحت ستم از سلطه استبداد و استعمار از دست داده بودند، پیوستگی دین و سیاست ظهور کرد.

قیام ۱۵ خرداد همچنین به جریان‌های مبارز دینی و غیردینی نشان داد که رژیم شاه از طریق مسالمت‌آمیز و در چارچوب قانون اساسی اصلاح‌ناپذیر است و برای مبارزه با نظام استبدادی و وابسته راهی جز مبارزه مستمر وجود ندارد.

قیام ۱۵ خرداد نقطه عطف مهمی در جنبش‌های تاریخ معاصر ایران و جهان اسلام به شمار می‌رود که شکل جدیدی از مبارزه را عرضه و آزمایش کرد و تجربه گران‌قدری بود که توانست با رهبری امام خمینی مبارزه ملت ایران را تا دستیابی به پیروزی در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ تداوم و ثمر بخشد.^۱

دولت حسنعلی منصور

با برکناری اسدالله علم از نخست‌وزیری و روی کار آمدن حسنعلی منصور، نسل جدیدی از سیاست‌مداران، قدرت را به دست گرفتند. آنها برخلاف پیشینیان خود، بیش از انگلستان، موافق و همسو با سیاست‌های آمریکا بودند. دخالت آمریکا در روی کار آوردن منصور موجب نگرانی دولتمردان حامی سیاست‌های انگلیس در ایران شد.^۲ منصور پس از دستیابی به قدرت، به تغییرهایی گسترده در عرصه مدیران کشور دست زد. دولت منصور برای انجام سیاست‌هایش نیاز به آرامش داشت. شاه با هدف جلب رضایت امام خمینی و ترس از رویارویی با قیامی دیگر، در هفدهم فروردین ۱۳۴۳، ایشان

۱. جهت اطلاع بیشترن. ک: *النگار، انقلاب اسلامی*؛ بیل، همان، ج ۲، ص ۲۱۳؛ نجاتی، *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران*، ج ۱، ص ۲۴۰؛ آبراهامیان، همان، صص ۵۲۳ و ۵۲۴.

۲. *حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک*، ج ۱، صص ۳۵۳-۳۵۵؛ فردوست، همان، ج ۲، صص ۳۵۵-۳۶۱.

را آزاد کرد. اما امام خمینی همچنان بر استمرار مبارزه پافشاری کرد.^۱

بازگشت کاپیتولاسیون

با افزایش حضور آمریکایی‌ها و مستشاران و نظامیان آنها در ایران، دولت حسنعلی منصور، ضمن تقدیم لایحه‌ای به مجلس شورا که قبلاً در دولت علم تنظیم و تصویب شده بود، برای مستشاران و نظامیان آمریکایی و خدمتکاران آنها، درخواست مصونیت قضایی کرد^۲ (نظیر حق استعماری که در معاهده ترکمانچای برای اولین بار برای روس‌ها قائل شده بودند و موجب تحقیر ایرانیان شده بود که بعد از انقلاب بلشویکی ملغی شد). در جلسه نیمی شب بیست و یکم مهر ۱۳۴۳، با تطمیع و تهدید نمایندگان، بی سروصدا، این لایحه تصویب شد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

لایحه کاپیتولاسیون، آمریکایی‌های مقیم ایران را از چه امتیازاتی برخوردار

می‌کرد؟

به دنبال تصویب این لایحه، آمریکایی‌ها اعطای وام دویست میلیون دلاری به ایران را برای خرید اسلحه به تصویب رساندند.

امام خمینی که از طریق یکی از کارمندان دبیرخانه مجلس در جریان تصویب لایحه کاپیتولاسیون قرارگرفته بود^۳، طی یک سخنرانی بسیار مهیج که به قول یکی از محققان آمریکایی «یکی از مهم‌ترین بیانات سیاسی در ایران در این قرن» بود، به شدت آمریکا و اسرائیل و شاه را مورد حمله قرار داد.^۴

۱. امام خمینی در اولین سخنرانی خود بعد از آزادی از زندان، به صدور حکم محکومیت آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان اشاره کرد و نسبت به اعمال خلاف شرع هیئت حاکمه و خطر سلطه اسرائیل بر شئون کشور هشدار داد و عزم خود را بر ادامه نهضت اعلام و فرمودند: «خمینی را اگر دار بزنند، تفاهم نخواهد کرد». ن. ک: کوثر: مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲. نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، ص ۳۰۳؛ هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی، ج ۲، ص ۱۰۶.

۳. محلاتی، خاطرات، صص ۶۳ و ۶۴؛ عراقی، همان، ص ۲۰۷.

۴. بیل، همان، ج ۱، ص ۲۵۸.

بیشتر بدانید

امام خمینی در مخالفت با تصویب لایحه کاپیتولاسیون اظهار داشت: «این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده‌ام، خوابم کم شده است. ناراحت هستم. قلبم در فشار است... عزت ما پای کوب شد، عظمت ایران از بین رفت. عظمت ارتش ایران را پای کوب کردند. قانونی در مجلس بردند... اگر یک خادم آمریکایی، اگر یک آشنیز آمریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه‌های ایران حق ندارند محاکمه کنند، بازپرسی کنند، باید برود آمریکا! آنجا در آمریکا ارباب‌ها تکلیف را معین کنند...»^۱

دستگیری و تبعید امام خمینی



به دنبال اعتراض شدید و تند امام خمینی به تصویب لایحه کاپیتولاسیون، رژیم با برقراری حکومت نظامی در تهران و قم، در نیمه شب سیزدهم آبان ماه ۱۳۴۳، امام خمینی را در خانه مسکونی اش دستگیر و به فرودگاه مهرآباد تهران منتقل و به ترکیه تبعید کرد.^۲ تبعید امام خمینی علاوه بر واکنش مردم ایران که با تظاهرات و اعتصابات همراه بود، دارای بازتاب جهانی و واکنش شخصیت‌های علمی و سیاسی و دانشجویان ایرانی خارج از کشور بود.^۳ مدتی پس از تبعید امام خمینی و تحمیل فضای خفقان، یکی از اعضای هیئت‌های مؤتلفه اسلامی به نام محمد بخارایی، حسنعلی منصور را به جرم خیانت به کشور، در جلوی مجلس

امام خمینی (ره) در دوران تبعید در ترکیه. در این دوران، حکومت ترکیه استفاده از لباس روحانیت را برای امام ممنوع کرده بود.

شورای ملی، ترور کرد که البته بعداً دستگیر شد و به همراه ۳ نفر دیگر از اعضای آن گروه تیرباران

۱. کوثر: مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی، ج ۱، صص ۱۶۹-۱۷۸.

۲. روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی؛ صص ۷۴ و ۷۴۱؛ فردوست می‌نویسد: «تبعید امام خمینی به دستور مستقیم

آمریکا صورت گرفت». ن. ک. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۵۱۶.

۳. ن. ک. روحانی، نهضت امام خمینی، ج ۲، صص ۶۳-۸۰.

شدند و به شهادت رسیدند. پس از حسنعلی منصور، امیرعباس هویدا به نخست‌وزیری منصوب شد.

آثار و نتایج نهضت بیدارگری اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)

۱. ورود جدی اسلام سیاسی به روند بیداری اسلامی و عرصه مبارزه با دیکتاتوری و استعمار خارجی؛
۲. ورود آشکار مرجعیت شیعه به عرصه مبارزه با استبداد داخلی و وابستگی رژیم پهلوی به آمریکا و اسرائیل
۳. پیوند بیش از پیش حوزویان و دانشگاهیان و مخالفت صریح و عملی هر دو گروه با اقدامات دین‌ستیزانه رژیم پهلوی؛
۴. طرح اندیشه حکومت اسلامی بر پایه نظریه ولایت فقیه؛
۵. بازسازی کارکرد مسجد و منبر و تبدیل آنها به کانون‌های بیداری اسلامی.

پرسش‌های نمونه

۱. حمله به مدرسه فیضیه قم و مدرسه طالبیه تبریز چه پیامدهایی به دنبال داشت؟
۲. دستگیری امام خمینی در خرداد ۱۳۴۲ چه واکنشی در جامعه ایجاد کرد؟
۳. قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ چه دستاوردهایی داشت؟
۴. لایحه کاپیتولاسیون چگونه به تصویب رسید و مفاد آن چه بود؟
۵. سه مورد از آثار و نتایج نهضت بیدارگری اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) را بنویسید.

اندیشه و جست و جو

۱. درباره کشتار مردم به وسیله مأموران حکومت پهلوی در پانزدهم خرداد ۴۲ مطلبی تهیه کنید.
۲. تبعید امام خمینی و واکنش‌هایی در میان مردم و مجامع مذهبی به دنبال داشت. در مورد این واکنش‌ها مطلبی تهیه کنید.

تحولات ایران پس از تبعید امام خمینی

در این درس مهم‌ترین تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران در فاصله ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ ش و تداوم مبارزه امام خمینی و ملت ایران با رژیم پهلوی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

اوضاع سیاسی ایران در فاصله ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ ش

سیاست داخلی: در این سال‌ها امیرعباس هویدا نخست‌وزیر بود. دوران نخست‌وزیری او که سیزده سال طول کشید، اوج استبداد و دیکتاتوری محمدرضا شاه در ایران است. نخست‌وزیر، وزیران، نمایندگان مجلس شورای ملی و مجلس سنا و حتی مقامات پایین‌تر از آن، براساس میل و خواست شاه عزل و نصب و یا انتخاب می‌شدند. شاه در تمام امور و شئون کشور دخالت می‌کرد و دولت و دو مجلس مجری فرامین او بودند. محمدرضا شاه حتی حزب‌های فرمایشی و دولت ساخته را تعطیل و نظام تک‌حزبی برقرار کرد و همه مردم ایران را مکلف ساخت که در حزب شاه، یعنی حزب رستاخیز عضویت یابند. در سال‌های مذکور شاه با تبلیغات وسیع، اصلاحات موسوم به انقلاب سفید را به اجرا گذاشت. تمام رسانه‌ها و ابزارهای تبلیغی رژیم مأموریت داشتند از برنامه‌های انقلاب سفید تعریف و تمجید کنند. در عرصه فرهنگی، رژیم برنامه‌های گسترده‌ای را به قصد تضعیف ارزش‌های دینی و ملی و ترویج فرهنگ غربی تدارک دید. شاه جشن‌های تاج‌گذاری و جشن‌های ۲۵۰۰ ساله را به همین منظور و با نوعی حس تفاخر برگزار کرد. این جشن‌ها رؤیاهای بلند پروازانه شاه بود. او در مقایسه با بسیاری از شخصیت‌های مطرح جهان فاقد مقبولیت مردمی بود و برای کسب اعتبار کاذب، درصدد برآمد، حکومت و شخصیت خود را به کوروش، پادشاه بزرگ هخامنشی پیوند زند و از این طریق محبوبیت و مشروعیتی کسب کند. او با این کار، چندین هزار سال تمدن ایران باستان قبل از هخامنشیان و نیز هزار و چهارصد سال از تمدن ایران اسلامی را نادیده گرفت. تغییر تقویم هجری شمسی به تقویم شاهنشاهی نیز در همین راستا بود. نتیجه این اقدام‌ها، تخریب و تضعیف مؤلفه‌های هویت ملی بود.

حکومت شاه در فاصله ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ش، سیاست فشار بر منتقدان و سرکوب مخالفان را شدت بخشید. نیروهای ساواک، شهربانی و ژاندارمری برای مقابله با مردم بسیج شدند؛ برای هماهنگی مطلوب در میان نیروهای سرکوبگر، کمیته مشترک ضدخرابکاری شکل گرفت. دستگیری، حبس، تبعید و ممنوع المنبر کردن، کمترین اقدام نیروهای امنیتی رژیم در برابر منتقدان و مخالفان بود. شدیدترین برخورد با مخالفان در فاصله سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ش صورت گرفت. در این سال‌ها ساواک وحشیانه‌ترین شیوه‌های شکنجه را علیه مبارزان به کار برد؛ جمع زیادی در زیر شکنجه شهید شدند و برخی دیگر تیرباران شدند.

زندانی و تبعید کردن روحانیان، دانشمندان، فرهنگیان، استادان دانشگاه و نویسندگان پیامدهای منفی بسیاری برای رژیم داشت. براساس اعلام سازمان عفو بین‌المللی، ایران در سال‌های مذکور از نظر تعداد زندانیان سیاسی، مقام سوم را در جهان داشت.^۱



محمد رضا شاه در دیدار با نیکسون رئیس‌جمهور آمریکا

سیاست خارجی: سیاست

خارجی حکومت پهلوی در فاصله ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ش، همچون سال‌های پیش از آن و حتی بیشتر از آن تحت تأثیر منافع و اغراض قدرت‌های بزرگ جهان و به‌خصوص آمریکا قرار داشت.

در این سال‌ها سلطه سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا بر ایران افزایش یافت. با انتخاب ریچارد نیکسون از حزب جمهوری خواه به ریاست جمهوری آمریکا، این کشور نقش ژاندارمی منطقه

خلیج فارس را به شاه واگذار کرد. پشتیبانی آمریکا بر غرور و استبداد محمد رضا شاه در داخل ایران افزود و او را سرمست قدرت کرد.

روابط حکومت پهلوی در این دوران با سایر کشورهای غربی از جمله انگلستان نیز گرم و دوستانه بود. شاه همچنین با شوروی که رقیب و دشمن آمریکا بود، مناسبات سیاسی نسبتاً دوستانه‌ای داشت و به رغم سلطه آمریکا بر ایران، روابط حکومت پهلوی با شوروی سرد و خصومت‌آمیز نبود.

۱. کرباسچی، هفت هزار روز، ج ۲، ص ۷۴۵.

خریدهای تسلیحاتی سنگین رژیم پهلوی و پیامدهای آن

محمد رضاشاه که قدرتش را بر پایه‌های دیوان‌سالاری دولتی، دربار و ارتش استوار ساخته بود،^۱ به پیروی از پدرش رضاشاه، به‌طور غیرمعتولی، به خرید تسلیحات نظامی روی آورد. به‌گونه‌ای که از سال ۱۹۷۴م/۱۳۵۳ش به بعد، شاه اولین مشتری سلاح‌های جنگی آمریکا در دنیا بود. سهم ایران در هزینه‌های نظامی نسبت به تولید ناخالص ملی^۲ به‌طور متوسط سه برابر بیشتر از آمریکا و یا اتحاد جماهیر شوروی و شش برابر بیشتر از کشورهای فرانسه و انگلستان بود.^۳ شاه به‌طور متوسط، سالانه بیش از ۳۰ درصد از بودجه دولت را صرف هزینه‌های نظامی می‌کرد.

افزایش خرید تسلیحات نظامی ایران از آمریکا، موجب وابستگی بیشتر ایران به آمریکا و حضور گسترده مستشاران آمریکایی در کشور ما شد؛ به‌گونه‌ای که بیشترین تعداد مستشاران آمریکایی در یک کشور خارجی، در ایران حضور داشتند و این تعداد در اواخر حکومت پهلوی به ۹۰ هزار نفر رسید. افزایش سرسام‌آور بودجه نظامی آثار زیانباری بر اقتصاد ایران داشت. صنعت و به‌ویژه کشاورزی کشور ما به تدریج به سمت وابستگی پیش رفت. فرایند این وابستگی به سود آمریکا بود؛ زیرا درآمد حاصل از نفت، صرف واردات کالاهایی می‌شد که پیش از اصلاحات آمریکایی و انقلاب به اصطلاح سفید، کشاورزان و صنعت‌گران ایرانی تولید می‌کردند؛ بنابراین دلارهای نفتی، بار دیگر به مبدأ اولیه خود یعنی کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا باز می‌گشت.^۴

همچنین شاه بخشی قابل توجه از درآمدهای نفتی را به خرید سهام و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های ورشکسته اروپایی^۵ و آمریکایی^۶ و دادن وام به کشورهای وابسته به بلوک غرب^۷، اختصاص داد.

۱. آبراهامیان، همان، ص ۵۳۵.

۲. تولید ناخالص ملی عبارت است از ارزش بول، کلیه کالاها و خدمات نهایی که اعضای یک ملت در طول یک سال تولید کرده‌اند.

۳. فاروقی، *ایران بر ضد شاه*، ص ۱۱۹. به گفته تئودور سورنسون (Theodor Sornson) یکی از مقامات آمریکا، شاه بر پشتیبانی آمریکا از ارتش گران قیمتی اصرار می‌ورزید که برای امنیت داخلی بسیار بزرگ و برای یک جنگ تمام عیار بی‌فایده بود. ارتش شاه شبیه مرد افسانه‌ای است که این قدر سنگین وزن است که هیچ کار سبکی را نمی‌تواند انجام دهد و این قدر سبک است که قادر به هیچ کار سنگینی نیست. (لطیفان، *ارتش و انقلاب اسلامی*، صص ۱۶۶-۱۷۶)

۴. فاروقی، همان، ص ۱۳۵؛ فوران، *مقاومت شکننده*، ص ۴۶۵.

۵. کروپ آلمان، اوردیدف و سوفیدیف فرانسه و هیلمن انگلستان.

۶. نظیر شرکت استودوبویکر که اخیراً اتومبیل‌های رامبلر را تولید می‌کرد.

۷. نظیر کمک به رژیم محمد زیادباره رئیس‌جمهور سومالی و اهدای چندین فروند هواپیمای هرکولس به رژیم هابله سلاسی پادشاه اتیوپی و کمک به کشورهای دیگری نظیر مصر. در یک مورد شاه، ۹۰ فروند هواپیمای را که از آلمان خریداری شده بود، به همراه مقادیر زیادی کمک‌های بلاعوض از جمله یک صد میلیون دلار به کشور پاکستان (که از متحدین آمریکا بود) هدیه کرد. (ن.ک: طوفانیان، *خاطرات*، صص ۵۱-۵۵).

گسترش فساد اقتصادی در ارکان حکومت پهلوی

فساد و دخالت‌های بی‌رویه خاندان سلطنت در اقتصاد ایران، باعث نابه‌نجاری‌های مختلفی شد. اعضای خانواده پهلوی، از طریق درآمد حاصل از فروش زمین‌های متصرفی در دوره رضاشاه و برداشت بیش از دو میلیارد دلار از درآمدهای نفتی، ثروت زیادی اندوختند. آنان همچنین از قمارخانه‌ها و سایر مکان‌های فساد، قچاق مواد مخدر، دلالتی معامله‌های خارجی و مشارکت نامشروع در سهام صدها شرکت خصوصی و دولتی، سود کلانی می‌بردند. در رأس آنها، شخص محمدرضا شاه و برادران و خواهرانش قرار داشتند. همه ارکان حکومت، اعم از نیروهای امنیتی، نظامی و اداری، در خدمت افزایش این ثروت‌های بادآورده بودند. «منابع غربی دارایی‌های خانواده سلطنتی در ایران و خارج از کشور را بین پنج تا بیست میلیارد دلار برآورد کرده‌اند.»^۱

استمرار مبارزه پس از تبعید امام خمینی

«من برای دفاع از وطن تبعید شدم». این اولین سخن امام خمینی هنگام تبعید به ترکیه با افسر مأمور در درون هواپیما بود.^۲

امام خمینی در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۴۴ از ترکیه به نجف اشرف تبعید شد.^۳ در نجف، استقبال کم‌نظیر و باشکوهی از امام خمینی به عمل آمد.^۴ شاه با تبعید امام خمینی می‌خواست رهبری نهضت را از ایران دور سازد تا شعله‌های بیداری را در ایران خاموش کند. به همین منظور ساواک برای جلوگیری از ارتباط امام خمینی با ملت ایران تلاش‌های زیادی انجام داد، حتی از چاپ و توزیع رساله امام خمینی به شدت جلوگیری و دارنده آن را شش ماه تا دو سال به زندان محکوم می‌کرد.^۵ کوشش رژیم شاه برای دور کردن امام خمینی از ایران و فراموش شدن نام و راه ایشان، نتایج معکوسی به دنبال داشت؛ روزبه‌روز پیوند رهبری با مردم عمیق‌تر و بر عظمت و محبوبیت وی افزوده شد.

۱. آبراهامیان، همان؛ ص ۵۳۷.

۲. رجیبی، *زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی*، ص ۲۷۶.

۳. امام خمینی در زمانی که در ترکیه اقامت داشتند، اقدام به نوشتن کتاب *تحریرالوسيله* کردند. وی در این کتاب با طرح مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام در کنار مسائل عبادی، در جهت بی‌اثر ساختن اندیشه استعماری تفکیک دین از سیاست گام ارزنده‌ای برداشت. (روحانی، *نهضت امام خمینی*، ج ۲، صص ۱۹۹ و ۲۰۰).

۴. روحانی، *نهضت امام خمینی*، ج ۲، صص ۲۰۴-۲۱۱.

۵. ن. ک. روحانی، *بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی*، ص ۸۹۹.



امام خمینی، سال‌های تبعید در نجف

امام خمینی در دوران تبعید با مواضع شجاعانه، هوشمندانه و نیز ساده‌زیستی مثال زدنی اش^۱ همه محدودیت‌ها و تنگناها را تحمل کرد.^۲ او در اعماق دل مردم ایران و مبارزان مسلمان در کشورهای اسلامی و آزادی‌خواهان جهان جای گرفت. صفات و ویژگی‌هایی که در امام یکجا جمع شده بود، از وی شخصیت بی‌بدیل و متمایزی ساخته بود.^۳

امام خمینی در دوران تبعید پیوسته مردم را به استقامت^۴ دعوت می‌کرد و به آنان امید می‌بخشید.^۵ ایشان ضمن تحلیل‌های روشنگرانه دربارهٔ مسائل

ایران و حوادث خاورمیانه به‌ویژه جنگ اعراب و اسرائیل^۶، همواره خطر سلطهٔ همه‌جانبهٔ آمریکا بر ایران و پیامدهای فرهنگی و سیاسی ناشی از آن (که عظمت و استقلال ایران را مخدوش می‌کرد)،^۷ گوشزد می‌کرد.

امام خمینی نیز کوشید میان روحانیون و دانشگاهیان در مبارزه علیه شاه وحدت ایجاد کند. وی خطاب به روحانیون می‌فرمود: «شما دانشگاهیان را از خودتان دور نکنید؛ زیرا مقدرات ایران فردا به دست آنها است».^۸ امام خمینی برای حفظ پایه‌های دین و استقلال ایران، پیوند و احترام متقابل میان

۱. خبرنگار روزنامه لوموند محل سکونت امام خمینی را چنین توصیف می‌کند: «مسکن محقر آیت‌الله خمینی همانند مسکن فقیرترین افراد نجف است». (مجله نور علم، شماره ۳۱، ص ۱۱۲. دربارهٔ ساده‌زیستی امام خمینی ن. ک: یا به پای آفتاب، ج ۲، ص ۲۷۷، ج ۳، ص ۲۱۳، ج ۴، ص ۲۰۶).

۲. ن. ک. روحانی، نهضت/امام خمینی، ج ۲، صص ۴۰۶-۴۰۸، ۴۱۹، ۴۲۰ و ۴۲۰.

۳. آموزگار، فراز و فرود دودمان پهلوی، ص ۴۶۵؛ اولیویه وارن، شیر و خورشید، ص ۷۰؛ فوران، همان، ص ۵۴۴.

۴. امام خمینی دربارهٔ صبر و استقامت در مبارزه فرمود: «لازم است خود را مجهز نمایید و برای اعتلای کلمهٔ حق مہتای ناملايمات و سختی‌ها شوید تا موجب سرافرازی ملت مسلم و علمای اسلام را فراهم نمایید.» (صحیفهٔ امام، ج ۲، ص ۵۹).

۵. امام خمینی در سال ۱۳۴۶ فرمود: «من به شماها اطمینان فیروزی می‌دهم؛ اطمینان غلبهٔ حق بر باطل می‌دهم.» (صحیفهٔ امام، ج ۲، ص ۱۳۵).

۶. برای نمونه ن. ک: صحیفهٔ امام، ج ۱، صص ۳۰۰-۳۸۴، ج ۲، ص ۴۳۸، ج ۳، ص ۳۴۵.

۷. ن. ک: همان، ج ۱۱، صص ۷۲، ۱۱۰ و ۱۱۱، ج ۳، صص ۲۱۰ و ۲۶۷.

۸. همان، ج ۳، ص ۲۴۹. و ج ۲، ص ۸۷.

طبقات روحانی و دانشگاهی را ضروری می‌دانست.^۱

امام خمینی، ضمن تبیین نظریه حکومت اسلامی که پیش از این در کتاب *کشف الاسرار* به طرح آن پرداخته بودند، به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی بر پایه ماهیت سیاسی و اجتماعی دین مبین اسلام اهتمام ورزیدند.^۲

رهبری سیاسی امام خمینی به عنوان مرجع تقلید، اندیشه جدایی دین از سیاست را که سالیان طولانی توسط رژیم پهلوی تبلیغ و ترویج می‌شد، کمرنگ کرد و فصل نوینی در اندیشه سیاسی و فکری جامعه ایران گشود.^۳

بیشتر بدانید

مبارزات روحانیت و نقش آنها در بسیج توده‌های مردم

مبارزه مردم ایران در زمانی که رهبری نهضت در تبعید به سر می‌برد، با مجاهدت روحانیت ایران استمرار یافت و اندیشه‌ها، آرمان‌ها و مواضع سیاسی امام خمینی به مردم منتقل شد.^۴

در شهرهای مختلف ایران یک یا چند روحانی برجسته به عنوان نمایندگان امام خمینی حضور داشتند که علاوه بر انجام امور دینی و شرعی، رابطه میان مردم را با نهضت امام خمینی به طور مستمر زنده نگاه می‌داشتند. سازمان روحانیت شیعه با پیشینه تاریخی بیش از هزار سال به عنوان نهادی مستقل و مردمی در سراسر کشور و حتی در میان عشایر و روستاهای دورافتاده گسترده بود؛^۵ بنابراین اعلامیه‌ها، نوارها و پیام‌های امام خمینی با وجود فضای اختناق و کنترل‌های شدید نیروهای امنیتی و ساواک در سراسر کشور دست‌به‌دست منتقل می‌شد. این اقدام نقش مؤثری در بیداری و افزایش آگاهی سیاسی مردم ایران داشت.^۶

امام خمینی وظیفه اصلی روحانیت را بیدار ساختن توده‌های مردم اعلام کرد و بیداری ملت

۱. همان، ج ۲، ص ۲۵۵ و ج ۳، ص ۳۲۶.

۲. ن. ک: امام خمینی، *ولایت فقیه*، صص ۴۷-۵۷.

۳. جهت اطلاع بیشتر ن. ک: *صحیفه امام*، ج ۳، صص ۲۲۷ و ۲۲۸، ج ۴، ص ۲۳؛ حسینیان، *چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران*، صص ۶۰۴-۶۳۱.

۴. حسینیان، همان، ص ۶۳۵.

۵. فردوست، همان، ج ۱، ص ۵۶۷.

۶. به گفته آخرین سفیر آمریکا در ایران: نه تنها رژیم شاه، بلکه ناظران خارجی از نفوذ و قدرت گسترده مذهب و روحانیت در میان طبقات مختلف مردم درک و ارزیابی درستی نداشتند (*خاطرات دو سفیر، سولیوان، مأموریت در ایران*، صص ۸۸-۹۲ و ۱۱۸).

را مایهٔ امید دانست.^۱

استمرار مبارزه با تحمل سختی، شکنجه و زندان و تبعید و اعدام همراه بود. در این میان تعداد زیادی از روحانیون دستگیر، زندانی و تبعید شدند^۲ و عده‌ای نیز در هجوم مأموران سرکوبگر رژیم پهلوی و یا در زیر شکنجه‌های هولناک و قرون وسطایی ساواک به شهادت رسیدند که از میان آنها می‌توان به آیت‌الله سید محمد رضا سعیدی، آیت‌الله حسین غفاری و سید علی اندرزگو اشاره کرد.^۳



آیت‌الله اندرزگو



آیت‌الله غفاری



آیت‌الله سعیدی

نقش مراجع تقلید در مبارزات مردم مسلمان ایران تأثیرگذار و مهم بود. موضع‌گیری آنها در قبال حوادث سیاسی بسیار تعیین‌کننده بود. در این باره می‌توان به مجاهدت‌های آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله نجفی مرعشی در قم و آیت‌الله خوانساری در تهران، آیت‌الله میلانی، سیدعلی بهبهانی و محلاتی در مشهد، اهواز و شیراز اشاره کرد. علاوه بر آن تشکّل‌های روحانی مانند جامعهٔ روحانیت مبارز تهران، جامعهٔ مدرسین^۴ و مدارس حوزه‌های علمیهٔ قم، مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز، اهواز و ... نظیر مدرسهٔ فیضیه نقش مهمی در گسترش اندیشه‌های انقلاب و تربیت طلاب جوان و بسیج توده‌های مردمی داشتند. مهم‌ترین مراکز و کانون‌های بیداری و مبارزاتی در دوران انقلاب، مساجد و حسینیه‌ها بودند؛ جایی که تجمع‌ها و حرکت‌های انقلابی و پرشور در آن شکل گرفت.

۱. صحیفهٔ امام، ج ۳، ص ۱۰۱. به‌عنوان مثال در ماه رمضان ۱۳۴۳ عده‌ای از روحانیون تهران برای روشن‌گری مردم در اقدامی هماهنگ تصمیم گرفتند هر شب در مسجد جامع تهران علیه احیای کاپیتولاسیون، سلطهٔ سیاسی و اقتصادی آمریکا، نفوذ اسرائیل در ایران و تبعید غیرقانونی امام خمینی سخنرانی کنند. آنها قرار گذاشتند که به محض دستگیر شدن یک نفر، دیگری سخنرانی کند. مأموران ساواک اقدام به دستگیری سخنرانان کردند اما باز نفر بعدی بالای منبر می‌رفت این موضوع تا بیست شب ادامه یافت. سرانجام ساواک و قوای انتظامی به مسجد جامع یورش بردند و پس از ضرب و شتم مردم با بستن در مسجد، این برنامه را تعطیل کردند. تمامی روحانیون دستگیر شده، محکوم به زندان بین یک تا دو سال شدند (روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، صص ۷۹۲-۷۹۷).

۲. از شمار دستگیر و تبعیدشدگان روحانی آمار دقیقی در دست نیست اما براساس گزارش بولتن‌های نوبه‌ای ساواک، از فعالیت‌های روحانیون در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶، تعداد ۱۴۷۵ نفر از روحانیون دستگیر و تبعید شدند. (حسینیان، همان، صص ۶۶۲ و ۶۶۳).

۳. جهت اطلاع بیشتر: ن. ک: یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید آیت‌الله حاج شیخ حسین غفاری، صص ۱۴۴-۱۵۳؛ شهید آیت‌الله محمد رضا سعیدی، صص ۴۷۹-۴۹۰؛ شهید سیدعلی اندرزگو، صص ۴۰۹-۴۱۳.

۴. «جامعهٔ روحانیت مبارز تهران» و «جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم» مهم‌ترین تشکّل‌های روحانیت و حوزه در طول تاریخ انقلاب

اسلامی از زمان شکل‌گیری آن تاکنون بوده است.

مبارزات دانشجویی

جنبش دانشجویی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ آرمان‌هایی مانند عدالت اجتماعی، استقلال، آزادی و پیشرفت کشور را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داد. این جنبش پس از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با روحانیت و دین پیوند استواری برقرار کرد.

انجمن‌های اسلامی دانشجویان که پیش از این در دانشگاه تهران شکل گرفته بود، در سایر دانشگاه‌های ایران توسعه یافت. این تشکل دانشجویی محور فعالیت‌های خود را بر موضوعات فرهنگی و مقابله با افکار مارکسیستی و الحادی و مخالفت با ایده جدایی دین از سیاست متمرکز ساخت.^۱ گرایش محمدرضا شاه به فرهنگ غرب باعث تضعیف هویت ملی (ایرانی و اسلامی) و ایجاد پدیده از خودبیگانگی فرهنگی در جامعه شد.^۲ در این زمان اندیشمندان و روشنفکران دانشگاهی و حوزوی، در برابر مسخ فرهنگ و ارزش‌های جامعه ایرانی، برای احیای هویت دینی و بازگشت به خویشتن تلاش‌های فرهنگی گسترده‌ای کردند که می‌توان به نقش شخصیت‌هایی چون علامه طباطبایی، شهید مطهری، دکتر بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله مکارم شیرازی، دکتر باهنر، مهندس بازرگان، جلال آل احمد، دکتر شریعتی، دکتر مفتاح، علامه جعفری و علامه امینی (صاحب‌الغدیر) اشاره کرد.

گرایش‌های فکری و روش مبارزه مخالفان رژیم

مخالفان رژیم پهلوی، در این زمان، سه گروه بودند: گروه اول، مسلمانان انقلابی که با اعتقاد به رهبری امام خمینی مبارزه می‌کردند و به مبارزه، به عنوان یک وظیفه اسلامی و تکلیف شرعی می‌نگریستند. از دیدگاه امام خمینی، بهترین راه مبارزه با شاه، افزایش آگاهی عمومی و بسیج همگانی مردم برای مبارزه‌ای فراگیر بود.

گروه دوم، چپ‌گرایان بودند. این طیف، با تأثیر پذیرفتن از اندیشه‌های مارکسیستی، راه‌هایی را، در پیروی از نظریه‌های مارکسیستی می‌دیدند. از دیدگاه اغلب اینان، «تنها راه‌هایی، جنگ مسلحانه» بود. تعلیم و تربیت چریک و به راه انداختن جنگ چریکی علیه حکومت پهلوی، از جمله اصلی‌ترین روش‌های آنان برای مبارزه بود.

گروه سوم، ملی‌گرایان بودند. اغلب آنها اعتقادی به تغییر رژیم سلطنتی پهلوی نداشتند و معتقد

۱. جهت اطلاع بیشتر ن. ک: کریمیان، جنبش دانشجویی، صص ۱۱۵-۱۲۰ و ۲۱۳-۲۱۸.

۲. ن. ک: کدی، ریشه‌های انقلاب اسلامی، ص ۳۰۴.

بودند باید اصل سلطنت را پذیرفت ولی در جهت کاهش خودکامگی شاه تلاش کرد.^۱
در اواسط دهه ۱۳۵۰ ش، هر سه جریان به موازات یکدیگر فعالیت می کردند اما رشد و گسترش
جریان اسلام انقلابی سریع تر و ریشه دارتر بود.

برگی از تاریخ



غلامرضا تختی (۱۳۰۹-۱۳۴۷ ش)

غلامرضا تختی در سال ۱۳۰۹ در محله «خانی آباد» تهران، در خانواده‌ای محروم به دنیا آمد. علاقه به ورزش، به ویژه رشته کشتی، از دوران کودکی در او وجود داشت. همین علاقه و استعداد زیاد باعث شد بسیار زود به قهرمانی کشور برسد.

غلامرضا تختی در طول مسابقه‌های ورزشی خود چهار مدال طلا و پنج مدال نقره گرفت. تختی با نزدیک شدن به آیت الله طالقانی مخالفت خود را با رژیم حاکم ایران نشان داد. محبوبیت فوق العاده او در جامعه و مخالفتش با

نظام حاکم، رژیم پهلوی را نگران کرد. جسد او را در محل هتل آتلانتیک یافتند. دستگاه تبلیغاتی رژیم پهلوی مدعی شد که او خودکشی کرد ولی باور عمومی این بود که او به دست عوامل ساواک کشته شده است.

۱. سنجایی، مصاحبه با رادیو بی.بی.سی.، «تغییر ایران به روایت بی.بی.سی.»، ص ۲۹۵.

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی جبهه ملی همچنان امیدوار بود با سیاست گام به گام و انجام اصلاحاتی در محدوده قانون اساسی نظام سلطنتی مشروطه را حفظ کند، اما با تشدید مبارزات ضد استبدادی به رهبری امام خمینی که مبانی مشروعیت رژیم پهلوی و غیرقانونی بودن آن را نشانه گرفته بود، موضع جبهه ملی و سایر نیروهایی که خواستار قانون اساسی مشروطیت بودند، در برابر مواضع قاطعانه امام خمینی کاملاً تغییر کرد. (ن.ک: نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۱۷۷).

بیشتر بدانید

راهبرد امام خمینی و روحانیت در مبارزه برای ساقط کردن رژیم مستبد و وابسته پهلوی، مبتنی بر مبارزه فرهنگی و بیدارگری بود.^۱ امام خمینی هیچ‌گاه از مشی مبارزه مسلحانه حمایت نکرد اما در شرایط سخت مبارزاتی و تشدید سرکوب‌ها پس از قیام ۱۵ خرداد و تبعید امام خمینی، برخی از گروه‌های مسلمان به مشی مبارزه مسلحانه روی آوردند.^۲ البته این گروه‌ها برخلاف گروه‌های مارکسیستی قائل به اصالت مبارزه مسلحانه نبودند و به راهکارهای فرهنگی در کنار سایر زمینه‌ها توجه داشتند.^۳ در این زمینه می‌توان به جمعیت هیئت‌های مؤتلفه اسلامی و حزب ملل اسلامی اشاره کرد. علاوه بر آنها گروه‌های کوچک دیگری مانند حزب‌الله، ابودر، الفجر، منصورون، مهدویون، موحدین، توحیدی صف، فلاح و سازمان توحیدی مجاهدین خلق که بیشتر در دهه پنجاه شکل گرفتند، اقدام به مبارزه مسلحانه کردند.^۴

پرسش‌های نمونه

۱. برنامه‌های فرهنگی رژیم پهلوی در فاصله ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ ش چه اهدافی را تعقیب می‌کرد؟
۲. اهداف و انگیزه‌های محمدرضا شاه از برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله چه بود؟
۳. عملکرد ساواک و نیروهای امنیتی رژیم پهلوی از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ ش چگونه بود؟
۴. به چهار مورد از فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی امام خمینی (ره) در دوران تبعید اشاره کنید.
۵. مخالفان رژیم پهلوی در فاصله ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ ش، شامل چه گروه‌هایی بودند؟

اندیشه و جست و جو

— درباره زندگی و مبارزات شهید سیدعلی اندرزگو، گزارشی تهیه و در کلاس ارائه کنید.

۱. جهت اطلاع بیشتر ن. ک: هاشمی رفسنجانی، همان، ج ۱، ص ۲۴۵.
۲. آنها بر این باور بودند که اگر در برابر خشونت رژیم با نرمش برخورد شود، رژیم گستاخ‌تر می‌شود. (ن. ک: همان، ج ۱، ص ۲۴۱)؛ مشی مسلحانه قبل از آنکه انتخابی از سوی نیروهای مذهبی باشد، بر آنها تحمیل شد. (ن. ک: حسینیان، همان، صص ۸۷۲ و ۸۷۳).
۳. هاشمی رفسنجانی، همان، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۴۵.
۴. جهت اطلاع بیشتر ن. ک: جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، صص ۳۲۱ و ۵۱۷-۵۳۶؛ حسینیان، همان، صص ۸۰۶-۸۷۳.